نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۹۹، صفحات ۳۰۰ تا ۳۱۰

پژوهشی

اثبات اصالت مهربانی در اسلام

علیرضا ذاکری[1*]، محمدرضا رضوان‌طلب[2]، محمدجواد محمدی[3]

چکیده

زمینه و هدف: «مهربانی»، حقیقتی انسانی است که نه تنها در رابطه بیمار و پزشک نقش ایفا می‌کند؛ بلکه تحقیقات دانشمندان تجربی حاکیست رحمت و شفقت می‌تواند در پیشگیری یا کنترل برخی بیماری‌ها مؤثر باشد. از طرفی اسلام به عنوان دینی الهی منبع فضائل انسانی من‌جمله مهربانی است و از آن زاویه می‌تواند اهداف فرهنگی و بهداشتی را حمایت کند.

روش: این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای (سنتی و مدرن) گردآوری و از بانک‌های معتبر علمی در بستر اینترنت نیز استفاده شده است.

یافته‌ها: کتاب الهی اسلام یعنی قرآن، الله را با دو نام با ریشه رحمت معرفی می‌کند و تقریباً تمامی سوره‌های آن با این دو نام، خالق را معرفی می‌کند و کلماتی هم‌خانواده و هم‌معنای مهربانی به صورت وافر در آن مشاهده می‌شود و سایر اسماء الحسنی نیز به پروردگاری واحد و مهربان اشاره می‌کنند گرچه معنای آن‌ها مستقیماً مهربان نباشد. همچنین پیامبران به‌ویژه پیامبر اسلام و سایر اولیاء الهی که بزرگترین مفسران کتب الهی و قرآن هستند همواره با فضیلت رحمت شناخته و الگوی فرهنگی جهانی قرارداده شده‌اند.

نتیجه‌گیری: ۱- جایگاه مهربانی در اسلام اصیل است.۲- اسلام بدون تقدم فضیلت مهربانی در تفسیر و زندگانی نیاز به بازشناسی دارد.۳- تمرکز بر مهربانی در اسلام می‌تواند نقش مؤثری در سلامت به‌ویژه سلامت معنوی و سپس سلامت روانی داشته باشد.۴- لازم است پژوهش‌های بیشتری در دو حوزه علوم اسلامی و تجربی برای دریافت اهمیت مهربانی در بهداشت با نگاهی بومی صورت پذیرد.

کلید واژه‌ها: تحقیق میان رشته‌ای، تفسیر، سلامت، مهربانی

مقدمه

یافته‌های اولیه پژوهشگران در مطالعات عصبی و غدد درون‌ریز و مطالعات تصویربرداری عصبی نشان می‌دهد ممکن است مراقبت‌هایی که ریشه در عشق، مهربانی و شفقت دارند تأثیرهای مثبتی در کاهش پریشانی ذهنی ناشی از استرس داشته باشد یا باعث تقویت مناطقی در مغز شوند که در پردازش احساسات و همدلی نقش دارند، در نتیجه اگر با درمان‌های پشتیبانی شده تجربی مانند درمان شناختی - رفتاری همراه باشد چنین مراقبه‌هایی ممکن است استراتژی‌های بالقوه و مفیدی برای رویارویی با انواع مشکلات روانشناختی بین فردی مانند افسردگی، اضطراب اجتماعی، اختلافات زناشویی، عصبانیت و تحمل فشار ناشی از مراقبت و پرستاری‌های طولانی‌مدت باشد (Hofmann, Stefan G.& others, 2011). همچنین برخی با بررسی مفهوم مهربانی یا شفقت به خود و دیگران با تأکید ویژه بر شواهد عصبی و فیزیکی بر آن شده‌اند تا مهربانی به خویش و دیگران را عملیاتی کنند و مفهومی یکسان از لحاظ نظری و تجربی ارائه کنند و نتیجه گرفته شده که مهربانی باید در فرآیندهای عاطفی، شناختی، رفتاری و بین فردی باشد و براساس شواهد عصب شناختی و فیزیولوژی مغز و اعصاب می‌توان آن را در قالب بین فردی و اجتماعی درنظرگرفت (Khoury, Bassam, 2019). پژوهشی گروهی که پیرامون دینداری، معنویت و خوشبختی در مورد بیماران عصبی صورت گرفت چنین منتج شد که ممکن است معنویت وجودی کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی در میان بیماران بالغی که مبتلا به بیماری اعصاب و روان می‌باشند را بهبود بخشند. همچنین در این تحقیق به نوعی مراقبه عشق - مهربانی و پذیرش و شفقت برای همه موجودات زنده اشاره شده است که به افزایش شادکامی و کاهش افسردگی اجتماعی می‌انجامد و به نتیجه تحقیقاتی براساس تصویرسازی تشدید مغناطیسی کارکردی (fMRI) ارجاع می‌دهد که ممکن است مراقبه مهربانی با تغییر اتصال شبکه عصبی، پردازش عاطفی را تحت تأثیر قرار

۱. * نویسنده مسئول: و دانشجوی دکتری الهیات، دانشگاه تهران
۲. دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات
۳. استادیار دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

دهد (wade, James B. & others, 2018). ونگ و همکارانش کـه بـه آمـوزش دادنِ مهربانی می‌اندیشند بر این اندیشه‌اند کـه نـوع‌دوسـتی پاسـخ‌هـای عصبی به رنج را تغییر می‌دهند و براساس تصویرسازی تشدید مغناطیسی (fMRI) به این نتیجه رسیده‌اند که می‌تـوان بـا آمـوزش‌دادن، مهربـانی و شفقت را پرورش‌داد و ممکن است با درک رنج دیگـران کنتـرل اجرایـی، عاطفی و پردازش پاداش حاصـل شـود (Weng, Helen Y. & others, 2013). همچنین در اثر ۴ هفته مراقبه مهربانی در مورد بیمارانی که از مرحله آخر بیماری کبد رنج می‌بردند به‌همراه مراقبان این بیماران دریافتند افسردگی در شرکت‌کنندگان مطالعه کاهش و کیفیت خـواب مراقبـان‌شـان بهبـود یافت (Bajaj, J & others, 2017).

رییس پیشین انجمن روانشناسی آمریکا و پدر روانشناسی‌مثبت، مـردم ایالت‌متحده در روزگاری که بیشتر به کلیسا می‌رفتنـد را در سـلامت روانـی بیشتری می‌یابد (سلیگمن، ۱۳۹۵، ص یازده)؛ ون‌کـاپلن بـه همـراه رییـس سابق انجمن روان‌شناسی مثبت باربارا ال. فردریکسن و همکاران در مقاله‌ای مستقل به ارتباط مثبت بهبـودی و دیانـت پرداختـه‌انـد و نقـش واسـطه‌ای احساسـات مثبـت شـاملِ فضـیلت مهربـانی، را برجسـته دانسـته‌انـد (Van Cappellen and others, 2016). پـیش از آن نیـز پترسـون و سـلیگمن در قالب کاری تیمی، فضایل انسانی منجمله مهربانی را مورد بررسی قرارداده‌اند (Peterson,Seligman, 2004, pp 325-336). تحقیقـات پژوهشـگران تجربـی از جهتی و از جهت دیگر اسلام با پیشینه‌ای تاریخی و بـه‌وسـیله توصـیه‌هـای متعددی به تجربه‌های بشری احترام گذاشته و عقل - که جایگاه والایـی در دین دارد - را با تجارب، همراه دانسته است، به‌گونه‌ای کـه دیـن‌مـدار نبایـد خود را از تجارب سایرین - و از افراد آن علوم تجربی - محروم کند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج۱، صص ۸۱-۸۵/ محمدی ری‌شـهری، ۱۳۸۶، ج۲، ص ۱۸۴) و اندیشمندان حوزه پزشکی و دین که در ارائه یک نظریه در پانل هم اندیشی شرکت کردند بیان کردند بـرای ارتقـای سـلامت معنـوی اسـلامی مواردی مانند «تبیین و ترویج مفاهیم و مصادیق» و «توسعه دانش و نگرش و مهارت‌های فردی» ضروری است (مرندی، سیدعلیرضا و همکاران، ۱۳۹۸). مهربانی به عنوان رکنی در سلامت معنوی نیاز بـه تبیـین و سـپس تـرویج مفاهیم و مصادیق آن و ترویج مهارت‌های مربوط به آن را دارد؛ تحقیقاتی که گذشت بیشتر بر روی تأثیر مهربانی بر سلامت روانی تمرکز دارند که رابطـه تنگاتنگی با سلامت معنوی دارد کـه ایـن دو در کنـار سـلامت اجتمـاعی و جسمانی از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی ۴ بُعد از سلامت شمرده می‌شود (سازمان بهداشت جهـانی، ۲۰۰۵)، ایـن همـه، پیرامـون اخـلاق، سـلامت، معنویت، دیانت و دیدگاه‌های امروزی و تاریخی دربـاره آن‌هـا ایـن سـؤال و سؤالات مشابهی را طرح می‌کند که جایگاه مهربانی در اسـلام کجاسـت؟ در اسلام به عنوان دینی تاریخی کـه نگـرش‌هـا و تفسـیرهای مختلـف امـروزه چهره‌های گوناگون و گاه متناقضی از آن دینِ واحد و توحیـد را بـه نمـایش جهانیان می‌گذارد؛ مهربانی چه نقشی ایفاء می‌کند؟

مفهوم شناسی

اصالت

اصالت واژه‌ای عربی به معنای اصل بودن و اصل، به ریشه درخت و پایه و قاعده اشیا اطلاق می‌شود؛ در این معنا توسعه داده‌شده‌است و گفته‌اند: هر چیزی که وجود چیز دیگری بـه آن متکـی باشـد، اصـل می‌باشد از این روی پدر (یا مادر) اصلِ فرزند می‌باشند همچنین اصل آنست که بر آن ابتناء و ساختن صورت گیرد (زبیـدی، ۱۴۱۴، ج۱۴، ص ۱۸) همچنین معدِن، مبتدأ و مبدأ نیز از معانی اصل دانسته شده است یعنی مکان اولیه چیزهایی ماننـد طـلا و نقـره و ... (فراهیـدی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۴۲).

مهربانی

مهربانی یا رحمت مترادف با مَرحمت، رُحم، رأفت، حَنـان(فراهیـدی، ۱۴۱۴، ج۸، ص ۳۸۲ و ج۳، ص ۲۹)که طبق تعریفی اگر از سوی خداوند لحاظ شود، برخوردار کردن و فزونی بخشیدن و اگر از سوی آدمی باشـد، نوعی رقّت و شفافیت قلب دانسته‌می‌شود که با تعطف، عاطفـه ورزیـدن و نوعی انعطاف همراه است (راغب اصـفهانی، ۱۴۱۲، ص۳۴۷)؛ در تعریفـی دیگر، رحمت برخوردار کردن شخص نیازمند بدونِ انتظارِ جبران، می‌باشد. (عسکری، ۱۴۱۲، ص۲۵۳) در نهج‌البلاغه و تفسیر نورالثقلین، تفاوت بین مهربانی خداوند و غیر او را در این دانسته‌اند که گرچه، هم خداوند و هـم انسان متصف به رحیم می‌شوند ولی خداونـد متصـف بـه صـفت انسـانی رقیق‌القلب نمی‌شود. (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۸ و حویزی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۱۴ و ابراهیمی، ۱۳۹۵). بر این اساس می‌توان مهربانی را نوعی انتقـال ماده یا انرژی مطبوع از موجودی به موجود دیگر دانست کـه بـا ۳ عامـل همراه است: ۱. اختیار ۲. قابلیت و ظرفیت ۳. نیاز

الله، الرحمن، الرحیم

الله اصلی‌ترین نام الهی است که معانی مختلفی برای آن قائل شده‌اند که ریشه در پرستش، والهشدن و پنهان بودن دارد (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج۴، ص۶۴/ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۸۲)؛ در اولین آیه قرآن، اولین بـار به این معبود با نام الرحمن اشاره مـی‌شـود، بـه اسـمی کـه در دل خـود مهرآفرینی (آفرینش بـه همـراه مهربـانی) و مهرگسـتری نهفتـه اسـت و بلافاصله او را الرحیم معرفی می‌کند، مهربانی که با مؤمنان به صورت ویژه رفتار مـی‌کنـد (صـدوق، ۱۳۹۸، ص۲۰۳/ بحرانـی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۱۰۳) افرادی که به آفریدگاری مهربان ایمان دارند و هر کار ایشـان کـه بـا ایـن شعار بندگی و مهربانی آغاز نشود ناقص است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۸۳) و بدون همراهی دائم با الهِ رحمنِ رحیم، دو نامی که ریشه در ماده الرحم یا مهربانی دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۲۲۴)، نقطه ضـعفی در ایمانِ مؤمن پدید می‌آید.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

ارتباط خالق و خلقت با مهربانی و رحمت

در اندیشه شیعی عقل از جایگاه بلندی برخوردارست و پیش از آن که مؤمنان برای شناخت خداوند به نقل اعم از قرآن و سنت بپردازد، لازم است از نظر عقلی، وجود و کمال خدا آشکار شده باشد، هنگامی که در سیری عقلی به وجود خداوند به عنوان منشأ تمام کمالات پی می‌بریم، در می‌یابیم که او منشأ مهربانی نیز باید باشد، هر چند همان عقل حکم کند تفاوتی بین مهربانی خالق و مخلوق وجود دارد؛ لذا هنگامی که از منظرِ رحمت به خداوند پرداخته شود باید دارای رحمت باشد و آن را از دیگری نگرفته باشد و هر رحمتی هم که در غیر او مشاهده شود از او باشد؛ به عبارتی او واجب‌الرحمه و غیر او ممکن‌الرحمه باشد. این حکم عقل در متونِ اسلامی نیز تأیید شده است و خداوند را موجودی مهربان می‌داند و با اسماء الحسنی و در رأس آن، الرحمن و الرحیم دانسته شده است. اگر خداوند بی‌نیاز مطلق، غنی و صمد دانسته شود، از نظر عقلی این که این بی‌نیاز، از سر نیاز خلق کرده باشد محال است و علت دیگری برای خلقت جهان فرض نمی‌شود مگر مهربانی که این حکم عقلی در قرآن نیز تأکید شده است و علت خلقت، مهربانی دانسته‌شده‌است. (هود/ ۱۱۹)[1].

قرآن و مهربانی

قرآن، کلام خداوند و مخلوق خاص او می‌باشد، شخصی که از نظر عقلی به خدایی رسیده که خلقتش براساس رحمت است، از نظر عقلی از چنین کتابی انتظار رحمت دارد، پس عقلاً پژوهشگری که به دنبالِ مهربانی در قرآن می‌شود باید به نتایج قابل توجهی برسد؛ برای یاقتن مفهوم مهربانی در قرآن یا به عبارتی معتبرترین متن تاریخی مسلمانان، می‌توان از چند منظر به قرآن نگریست:

آغاز شدن قرآن و سوره‌های آن با آیتِ مهربانی

قرآن با «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» آغاز (حمد/۱) و مذهب تشیع و شافعی این جمله که در آغاز تمامی سوره‌های قرآن به جز سوره توبه[2] تکرار می‌شود را آیه‌ای از قرآن می‌دانند و از نظر فقهی در نمازها باید این آیه را به همراه حمد و سایر سوره‌ها خواند؛ علاوه بر این، اهمیت این آیه چنان است که حتی در نمازهای اخفاتیه - که باید سوره‌های قرآن در نماز آهسته خوانده شود - بلندخواندن این آیه پسندیده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ص۱۷۹/ حلّی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۸۱/ محقق داماد، سیدمحمد، ۱۴۱۶، ج۴، ص۱۷۰)؛ جمله‌ای که منادی بندگیِ خدایی است که به مهر آفریده و بلند ادا کردن آن در نقطه‌های اساسی از شبانه‌روز که خورشید در نقطه‌ای خاص قرار می‌گیرد اشارتی به جایگاه ویژه رحمت الهی دارد. همچنین این آیه به عنوان آیه آغازین کتاب - خدا که در آن نام‌هایی از خداوند برشمرده شده است بدان اشاره دارد که آغاز کارها باید با بندگی و اتصال به خدایی به نام الله صورت گیرد. در سوره حمد که مهم‌ترین آیه قرآن و ام‌الکتاب (بحرانی، ۱۴۱۶، ج۴، ص۸۴۵) یا به عبارتی مادر مهربانِ قرآن دانسته می‌شود علاوه بر ذکر نام الرحمن و الرحیم در ابتدای سوره، در خود آن نیز مجدداً به این دو نام الهی اشاره می‌شود.

وجود ماده رحمت در قرآن

علاوه بر نقش برجسته آیه رحمت در قرآن، در موارد متعددی به صورت مستقیم به رحمت و مشتقات آن اشاره شده است. در تمامی سوره‌های قرآن، حتی سوره توبه، مشتقات رحمت وارد شده است و در کل ۵۶۳ مرتبه مشتقات رحمت در ۴۲۵ آیه ذکر شده به این معنا که به‌طور متوسط تقریباً در هر صفحه از قرآن می‌توان مستقیماً به رحمت نگریست و اندیشید در مقابل، تنها ۲۴ مورد غضب و مشتقات آن در قرآن وارد شده است.

سایر اسماء الهی با تضمن معنای مهربانی

قرآن در ۱۶۶ موضع به‌طور مستقیم به الرحمن و در ۲۰۷ موضع به نام رحیم اشاره دارد همچنین در موارد متعددی به مهربانی او در قالب نام‌هایی مانند الودود، الرؤف، الغفور، الغفار، غافرالذنب، قابل‌التوب، التواب، العَفُو، البَرّ، الکریم، الرزّاق، الرب، المستعان و ... اشاره شده است؛ در این موارد مستقیماً به یکی از نام‌هایی که مهربانی او را تبیین می‌کند اشاره دارد.

سایر اسماء الحسنی

در قرآن اسماء مختلفی برای خدا برشمرده‌شده‌است که نقش محوری در فهم آیات قرآن دارد؛ به عبارتی تمامی اسماء که به صورت گسترده در قرآن مشاهده می‌شوند و اساس قرآن و راه شناخت خداوند است همه با وجود اشاره کردن به اسم و صفتی الهی به الله، الرحمن و الرحیم بازمی‌گردد، چرا که تعدد اسماء الهی باعث تعدد مسمّی و چندگانگیِ معنای آن (یعنی ذات یکتای خداوند) نمی‌شود (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۲۸۰)؛ جمیع مسلمانان نیز خود را موحد و یگانه‌پرست می‌دانند؛ پس هرگاه هر نام الهی را در قرآن مشاهده کردیم قبل از این که این نام، معرفتی بیافریند، می‌دانیم کماکان او مهربان است و تغییری در ذات او صورت نپذیرفته؛ در واقع با اصل وحدت معنوی اسماءالهی اگر با نام الهی

۱. إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّکَ وَ لِذَالِکَ خَلَقَهُمْ.

۲. در سوره نمل علاوه بر آغاز سوره در متن سوره نیز به عنوان جمله آغازین نامه حضرت سلیمان تکرار گشته است (نمل/۳۰)

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

الحسیب یا الأول، مواجه شدیم می‌دانیم. در واقع او ذوالرحمه‌الحسیب یا ذوالرحمه‌الأول است و قس علی هذا، به این معنا که تمامی نام‌های او در سایه رحمت او، تعریف می‌شوند حتی در مورد اسمِ المنتقم و آیاتی که در ضمن خود، به غضب الهی اشاره می‌کنند، این اصل، همواره این سؤال معرفتی و تاریخی را مطرح می‌کند که چرا خدای ارحم الراحمین که همواره براساس رحمت عمل کرده است و مهربانی دیگران و مادران هم از اوست، در مواردی خود را منتقم می‌نامد؟

مهربانی، خلافت و کلمه بودنِ انبیاء و اولیاء الهی

اگر از نظر عقلی، خداوند با مهربانی همراه است و تمام اسماء الهی باید به نحوی به مهربانی اشاره کنند، عقل حکم می‌کند که فرستادگان، جانشینان و دوستانِ خاص او، یعنی انبیاء و اولیاء الهی نیز باید در قله‌هایی از مهربانی قرار گیرند از این منظر، قرآن، علاوه بر نام های الهی که با کلمات، خداوند، صفات و رحمت او را به بندگان معرفی می‌کنند، وسیله معرفی رساتری نیز دارد که مهربانی او را با اندیشه، گفتار و کردار خود به مخاطبان قرآن نشان دهد از این روی پیام‌آوران الهی، که اسماءالهی را با کتاب خدا، آموزش‌ها و مناجاتشان با خداوند معرفی می‌کنند، نیز به آن معنای واحدِ مهربان اشاره می‌کنند، افرادی که نامشان در قرآن در کنار نام خداوند قرار گرفته است؛ این افراد که بسانِ نامی الهی به معنایی واحد اشاره می‌کنند در قرآن کلمه نامیده شده‌اند (نساء/۱۷۱). استعاره‌ای که به قدرت شناساندنِ خداوند توسط ایشان می‌پردازد؛ طبیعی است هنگامی که خداوند خود را مهربان‌ترین می‌داند، پیامبرانی که پیام او را حمل می‌کنند و به‌گونه‌ای کلمه و اسمی از برای پروردگار یکتایشان شده‌اند نیز باید در جایگاه ویژه‌ای از مهربانی قرار بگیرند و بالأخره پیامبراسلام که در نظر مسلمانان آخرین و والاترین پیامبر است نیز باید در جایگاه ویژه‌تری از مهربانی قرار گیرد، به‌گونه‌ای که رسول بودن از جانب إلهِ مهربان معنی داشته‌باشد؛ به همین دلیل قرآن پیامبر را مهربانی بر عالمیان معرفی می‌نماید (انبیاء/ ۱۰۷)، گویا پیامبری که از جانب خداوند محمود و ستودنی است، ستوده نمی‌شود مگر به مهربانی و بندگی خدایی مهربان؛ گرچه مقام پیامبر در نگاه مسلمانان والاترین مقام‌است ولی از حیث رسالت طبق آیات قرآن تفاوتی بین پیامبران الهی نیست (بقره، ۱۳۶ و ۲۴۵/ آل عمران، ۸۴/ نساء ۱۵۲) به عبارتی هیچ گاه اختلافی بین آنان نیست.

مهربانی و جانشینی خدا از ابتدای آفرینش آدمی

هنگامی که خداوند اراده کرد بر روی زمین یک جانشین قرار دهد، جانشینی انسان در زمین برای فرشتگان سؤال شد که چگونه انسانی که قادر به فساد و ظلم به خویشتن و دیگران است، می‌تواند جانشین خداوند بر روی زمین شود؟ پس از آموزش اسماء و کلماتی به حضرت آدم توسط خداوند به حکمتِ جانشینی آدم و امثال او اشاره می‌کند (بقره/ ۳۳) در واقع اگر خداوند به بنده‌ای اسم عطا می‌کند و در نهایت او را کلمه می‌داند مهربانی‌اش نیز، باید مورد لحاظ قرار گیرد؛ به عبارتی اگر حضرت آدم یا سایر جانشینان الهی شایسته دریافت اسمی الهی شده‌اند، ربطی به مهربانی دارد؛ همان‌گونه که فرشتگان نیز اطلاع داشتند، انسان موجودی است که قابلیت فساد و ظلم را دارد درحالی‌که قابلیت مهربانی به خویش و خلقِ خدا نیز در او قرار داده شده است؛ در واقع انسان به دلیل خاصی می‌تواند بدترین موجود هستی شود: او که به اختیار و آزادی، خود را در پست‌ترین جایگاه مورد تصور در جهان آفرینش قرار داده، می‌توانسته با جهادِ نفس و به برکت همان آزادی برای نیل به قلّه مهربانی و مکارم اخلاق و فضیلت‌ها، به بالاترین جایگاه برسد؛ در واقع انسان از این جهت قابلیت جانشینی خدا را دارد که می‌تواند گزینه اخلاق، مهربانی و سایر فضائل را با همه سختی هایش، با اختیار انتخاب کند و با روشن شدن روز افزون چراغ اسماء الهی در جهان بیرون و درون، مسیر خود را تا جانشینی خدا یا همراهی با ایشان بیابد.

بخشش – مهربانی، نبوت و جانشینیِ خدا

هنگامی که خداوند به نبی خود با مشتقاتِ نبی، امر می کند، از او می‌خواهد که به بندگانش خبر دهد که او بخشنده و مهربان است (الحجر/۴۹) در واقع، نبوت معنا ندارد مگر این که در دلِ خود، خبر از بخشش و مهربانیِ خدا داشته باشد، از این روی نبأ عظیم (نبأ/ ۲)، که به مهم‌ترین امر در نبوت اشاره دارد نیز باید به مسأله‌ای بپردازد که به عظمت پیامبر در مهربانی بپردازد و چه مسأله‌ای مهم‌تر از جانشینیِ جانشینِ خداوندِ مهربان‌ترین؟ لذا در روایات مستفیضه نقل شده است که نبأ و خبری بزرگ‌تر از جانشینی أمیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب علیهماالسلام نبوده است (فیض کاشانی، همان، ج۴، ص۲۷۴).

اخلاق نیکو و مهربانی پیامبر اسلام در قرآن

قرآن پیامبر را با ویژگی والای اخلاقی (قلم/ ۹) و نرم خو معرفی می‌کند و این ویژگی را هدیه‌ای از دریای مهرِ الهی می‌داند و راز جذابیت ایشان را چنین امری برمی‌شمرد و تصریح می‌کند اگر انسانی بدخلق، خشن و سنگدل بودند مردمان از گرد او دور می‌شدند و در سایه همین نگاه مهربان به بندگان خدا، تشویقش می‌کند تا مهربانی خود را با نوشیدن جامِ طهور اسم الهی العَفُو و بخشیدن ایشان افزون کند و با رنگ اسم الهی الغفور برای ایشان از خدا آمرزش خواهد و در تکریم ایشان به مدد نام الهی الکریم با وجود دارا بودن علم الهی، ایشان را در مشاوره ها شرکت دهد و در انجام کارها بر مهرِ خداوندی قادر و وکیل تکیه کند و این گونه در آرامش دشتِ توکل قرار گیرد (آل عمران/ ۱۵۹) شخصی که قرآن او را آن‌چنان نجیب توصیف می‌کند که دیگران او را با همه دانشش، شنونده خوبی می‌شناسند و هنگامی که جاهلانه او را گوش خطاب و تمسخر می‌کنند خداوند این

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

سکوت روحانی را می‌ستاید و می‌گوید چنین سکوتی از برای شما نیکوتر است و این سکوت را از مهربانی او می‌داند و آنان که از بهشتِ مهربانی او رویگردان شوند را واردشده به آتشِ غضب می‌داند (توبه/۶۱). همین‌طور در آیات دیگری از قرآن به روحیه‌ی احترام گذاشتن به همسر در ایشان اشاره دارد، آیاتی که پیامبر برای مهربانی، محدوده شرع درباره خود را تنگ و خود را در مواردی محروم می‌سازد (تحریم/ ۱-۳) البته این خلق نیکوی ایشان تنها در دایره خانواده نمی‌گنجد بلکه اگر رنجی به انسانی رسد به روی سخت می‌گذرد و برای رها کردن آدمیان از نادانی و گمراهی، بسیار تلاشگر و امیدوارست و نسبت به آنان که به او ایمان می‌آورند مهرِ ویژه‌ای دارد (توبه/ ۱۲۸) و همان‌گونه که خداوند خود را رؤف و رحیم می‌نامد او را نیز چنین معرفی می‌کند (نور/۲۰). حد و مرز ابراز مهربانی ایشان، جسارتِ افراد ظالمی است که از این مهربانی سوء استفاده می‌کنند و به اعمال خشن خود ادامه می‌دهند؛ در این مورد نیز او به‌گونه‌ای معرفی می‌شود که مؤمنان از جام‌مهربانی او می‌نوشند و ایمان، مهربان‌ترشان می‌گرداند و به یکدیگر به صورتی ویژه مهربان هستند و چنین مؤمنانی در برابر کافرانی قسی‌القلب، با ویژگی شدید یا استوار توصیف می‌شوند به عبارتی این افراد حتی در برابر ستمگران، دچارِ بیماری قساوتِ قلب نمی‌شوند؛ بلکه در کنترل چنین افرادی با شدّت و قدرت عمل می‌کنند (فتح/ ۲۹).

معرفی اجمالی پیامبر اسلام

براساس حدیثی می‌توان شخصیت تاریخیِ آرام، دلنشین و مهربانِ پیامبر را چنین به نظاره نشست: به هر کس می‌رسیدند، سلام می‌کردند، کلامشان متین بود و زشت صحبت نمی‌کردند؛ محبّت دیگران هرچند کم، در نظرشان بزرگ بود؛ امور دنیوی آن حضرت را خشمگین نمی‌کرد؛ وقتی پای حق در میان بود کسی ایشان را نمی‌شناخت و چیزی در مقابل خشمشان تاب مقاومت نداشت تا حق را پیروز گردانند؛ در هنگام خشم چهره خود را با ناراحتی برمی‌گرداندند و در خوشحالی، چشم به زیر می‌انداختند؛ بیشتر خنده‌شان تبسّم بود؛ بسیار زیبا لبخند می‌زدند؛ به نیازهای مردم می‌پرداختند و آنان را به آن‌چه باعث بهسازی ایشان بود، از جمله با جویا شدن احوالشان مشغول می‌کردند؛ می‌فرمودند: هرکس به من دسترسی ندارد، حاجتش را به من برسانید، زیرا هرکس نیازِ نیازمندی را که خود قادر نیست آن را به حاکم برساند، در نزد حاکم مطرح نماید، خداوند او را در قیامت ثابت قدم خواهد فرمود؛ در بین مردم زبان خود را، جز در مواردی که به ایشان مربوط می‌شد، نگاه می‌داشتند، در میان مردم تحبیب قلوب می‌کردند و آنان را از خود نمی‌راندند؛ خوشرویی خود را از مردم دریغ نمی‌کردند؛ از اصحاب خود سراغ می‌گرفتند و از مردم در مورد مسائلی که بین خود مردم بود سؤال می‌کردند، بدون افراط و تفریط، نیکی را تحسین و بدی را تقبیح می‌کردند؛ میانه‌رو و یکسان بودند، هیچ‌گاه غفلت نمی‌کردند تا مبادا مردم غفلت‌کنند یا خسته‌شوند؛ در حق کوتاهی و از حق تجاوز نمی‌کردند؛ اطرافیانشان از بهترین مسلمانان نیکوکار بودند و بالاتر از همه نزد آن حضرت آن بود که خیرش به همه می‌رسید و هرکس نسبت به دیگران بهتر همدلی می‌کرد نزد آن حضرت منزلتی بزرگ‌تر داشت؛ با همنشینان خود یکسان برخورد می‌نمود تا کسی گمان نبرد دیگری نزد آن حضرت گرامی‌تر است؛ هر کس با آن حضرت همنشین می‌شد حضرت در مقابل او آن قدر صبر می‌کردند که اوّل خود او بلند شود و مجلس را ترک کند؛ هر کس از ایشان حاجتی داشت یا با دست پر برمی‌گشت یا در جواب، گفتاری نرم دریافت می‌کرد؛ برای مردم همچون پدری مهربان بودند؛ در مورد حق، همه در مقابل ایشان یکسان بودند؛ مجلسِ ایشان، مجلس حلم، صبوری، راستگویی و امانت بود؛ صدا در آن جا بلند نمی‌شد و از کسی هتک حرمت نمی‌گردید و لغزش کسی بازگو نمی‌شد؛ همه از روی تقوا با هم برابر و متواضع بودند؛ افراد بزرگ‌تر را احترام و به کودکان مهربانی می‌نمودند و افراد نیازمند را بر خود ترجیح و افراد غریب را پناه می‌دادند؛ با همنشینان همواره خوشرو، ملایم و خوش برخورد بودند؛ خشن، داد و فریادکن و بدزبان نبودند؛ نه عیب‌جویی می‌کردند و نه حمد و ثنای کسی را می‌گفتند؛ در مقابل آن چه دوست نمی‌داشتند، خود را به غفلت می‌زدند؛ کسی از ایشان نومید نمی‌شد و آرزومندانشان بدون بهره نمی‌گشتند؛ و سه کار را در مورد مردم انجام نمی‌دادند: کسی را مذمّت و تقبیح نمی‌کردند؛ لغزش‌ها و مسائل پنهانی افراد را دنبال نمی‌کردند؛ در موردی سخن می‌گفتند که امید پاداش الهی داشتند؛ در مقابل افراد ناآشنایی که در گفتار و درخواست، روش درستی نداشتند صبر کرده و حتّی یاران ایشان به دنبال چنین افرادی می‌گشتند و می‌فرمودند: وقتی نیازمندی را دیدید که در پی برآوردن نیاز خویش است او را کمک کنید؛ ستایشِ افراد ضعیف الایمان و منافق را نمی‌پذیرفتند و کلام کسی را قطع نمی‌کردند مگر زمانی که خود چنان کند یا وقت بگذرد که در این صورت کلام او را یا با نهی کردن و یا ترکِ جلسه قطع می‌کردند (با گزینش و ویرایش از: صدوق، ۱۳۷۲، ج۱، صص۶۳۵-۶۴۴)؛ این روایت که هماهنگ با قرآن از اخلاقی، می‌گوید که در زبان پارسی مثل شده به خُلقِ محمدی (دهخدا، ۱۳۷۳، ج۶، ص۸۷۱۳) این که چنین فردی را ریشه خشونت در جهان اسلام بدانند از انصاف به دور است، کسی که به شهادت قرآن و احادیث با همه مهربان است و همواره از خویش مراقبت می‌کند تا مبادا بندگان خدا از او برنجند و در جهت شکوفایی ایشان تلاش شایان خود را انجام می‌دهد؛ بررسی بیشتر اخلاق ایشان فراتر از این نوشتار و نیازمند مطالعات بیشتری است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۶، صص۱۹۴-۲۹۴).

نفی خشونت از پیامبر در جنگ بنی‌قریظه

گاه برای اثبات عدم مهربانی پیامبر به نقل‌های تاریخی ضعیفی درباره جنگ‌های زمان ایشان به ویژه حواشی غزوه بنی‌قریظه می‌پردازند، واقعه‌ای

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

که در معتبرترین متن تاریخی مسلمانان یعنی قرآن تنها در یک آیه بدان اشاره شده و حواشی آن وارد نشده است (احزاب/ ۲۶) اما خارج از قرآن و در روایاتِ دورانِ بنی‌امیه و بنی‌العباس داستان پردازی‌هایی پیرامونِ کشتار دسته‌جمعی قبیله بنی قریظه وارد شده است؛ این نوشتار گنجایش نفی خشونت‌های مختلف از پیامبر در غزوات مختلف به‌ویژه غزوه بنی‌قریظه را ندارد، اما پژوهش‌هایی توسط افرادی مانند هانس جانسن، سیدبرکات احمد، ولید نجیب عرفات و سیدجعفر شهیدی صورت پذیرفته است که همه به‌گونه‌ای اصل واقعه را زیر سؤال می‌برند. (Jansen, 2007, pp 126-128/ Ahmad, 1979, pp 126-128, / Arafat, 1976, pp 100-107/ شهیدی، ۱۳۶۲، صص ۷۳-۸۹)

مهربانی اهالی معنوی خانه پیامبران و جانشینان الهی

اهل‌البیت به معنای اهالی یا منسوبان به خانه پیامبر می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۹۶-۹۸)، البته نگاهی که قرآن را تنها به ظواهر آن حمل می‌کنند در بین بسیاری از مسلمین به‌ویژه اهل ادبیات جایگاهی ندارد چرا که پیامبر قرآن را دارای آیات و عباراتی معرفی می‌کنند که دارای ظاهر، باطن و اسرار ویژه‌ای است (سیدرضی، ۱۴۲۲، ص۲۶۳) بنابراین برای یافتن معنایی ژرف از اهل بیت باید به قرآن و احادیث رجوع کرد. معروف‌ترین آیه قرآنی شامل این اصطلاح، آیه ۳۳ سوره احزاب است: «هر آینه، خدا خواسته از شما اهل‌بیت هر گونه ناپاکی را بردارد و شما را پاکیزه گرداند»؛ برخی مفسران با توجه به این آیه به عصمت اهل بیت تأکید کرده و افرادی مانند حضرت رسول، أمیر المؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین و ۹ امام از فرزندانِ ایشان - علیهم صلوات‌الله - را افراد این کلی دانسته و با توجه به کتاب‌های شیعی و سنی اشاره کرده‌اند که لزوماً همسران پیامبر ذیل این معنای مصطلح قرار نمی‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۶، صص ۳۰۹-۳۲۰) در آیه‌ای دیگر هنگامی که به بانویی دلشکسته و بشاش یعنی ساره، همسر حضرت ابراهیم، یا ظرف شایسته اعجاز الهی که در پیری به صورت معجزه‌آسا مژده بارداریِ پیامبری به نام اسحاق داده شد از اهل‌بیت خوانده شده است (هود/ ۷۱-۷۳). همچنین در قرآن به صورت مجزا اشاره شده که اهل بیتِ پیامبر بودن لزوماً با رابطه ژنتیک و پدر و فرزندی هم پدید نمی‌آید؛ هنگامی‌که پسر حضرت نوح در آستانه غرق شدن قرار می‌گیرد، خداوند به او می‌گوید او از اهل تو نیست و به تعبیری آن‌قدر به خود و دیگران ستم کرده که جزء اهل‌بیت پیامبری چون او قرار نمی‌گیرد (هود/ ۴۵و۴۶) و در ویژه‌ترین آیه به خانه‌هایی رهنمون شده که اهالی آن در نور به سر می‌برند و اسباب هدایت و دعوت دیگران به خدای مهربان و اهل یاد کردن دائمِ چنین مهربانی هستند؛ در واقع این خانه‌ها، جایگاه افرادی شده که خداوند به ایشان اجازه داده نام‌های مهربان او را در دل و آن فضا جاری کنند (نور/ ۳۵-۳۸) خانه‌هایی که در طول تاریخ همواره مورد بزرگداشتی ویژه از جانب پروردگار بوده و دستور ویژه الهی است که برای وارد شدن بدانجا باید اذن گرفت (احزاب/ ۵۳).

نمونه‌ای از مهربانی اهل بیت در تاریخ اسلام

امام حسن (ع) و حسین (ع) در کودکی سخت بیمار شدند؛ حضرت علی (ع) و فاطمه (س) و فضه، نذر کردند اگر شفا یافتند سه روز، روزه بگیرند، چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند؛ حضرت علی (ع) مقداری جو قرض نمودند و حضرت فاطمه (س) با آن نان پختند، هنگام افطار مستمندی بر در خانه آمد و گفت: السلام‌علیکم‌یاأهل‌بیت‌النبوه! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من دهید؛ آن‌ها، وی را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند؛ روز دوم را هم روزه گرفتند و هنگام افطار، یتیمی بر در خانه آمد و آن روز نیز ایثار کردند؛ روز سوم اسیری جنگی بر در خانه آمد و بار سوم نیز غذای خود را به او دادند؛ صبح‌هنگام، حضرت علی (ع) دست دو فرزندشان را گرفتند و خدمت پیامبر (ص) مشرف شدند؛ هنگامی که پیامبر (ص) دیدند آن دو از شدت گرسنگی می‌لرزند، برایشان گران‌آمد و برخاستند و حرکت کردند و هنگامی که وارد خانه حضرت فاطمه (س) شدند دیدند درحالی‌که گرسنه‌اند و چشم‌هایشان به گودی نشسته، با تاب‌آوری[1] ویژه‌ای، در محراب عبادت ایستاده‌اند، پیامبر (ص) بسیار اندوهگین شدند؛ در همین هنگام جبرئیل، نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند با این اهل‌بیت به تو تبریک می‌گوید، سپس آیاتی از سوره «انسان» را بر ایشان خواند (انسان، ۵-۲۳/ شوشتری، ۱۳۹۳، صص۱۷۱-۱۵۷/ امینی، ۱۴۲۱، ج۳، ص۱۰۷-۱۱۱/ حسکانی، ۱۴۱۱، صص ۳۹۳-۴۰۸).

اهل بیت‌الرحمه و النبوه

در زیارت جامعه، اهل البیت، معدن‌الرحمه یا اصلِ مهربانی معرفی شده‌اند (صدوق، ۱۳۹۸، ج۲، ص ۶۱۰) و متون اسلامی اهل بیت، را اهل خانه پیامبران الهی و با ویژگی‌هایی چون مهربانی، دانش، اخلاص در عبادت و در یک کلام عمل صالح معرفی می‌کند. ایشان ساکنان حقیقی خانه مهربانی و افرادی راستگو و میانه رو هستند؛ افرادی که نبی‌الرحمه نیز در جمع ایشان است؛ رهبری با ایشان و قرآن‌شناسان از بین آن‌ها هستند و راهنمایانی که به سوی پروردگار و مبارزه با دشمنان او و پیامبر مهربانش، استوار بودن در امور الهی، در طلب رضایت الهی بودن، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات و به جا آوردن حج و ... فرا می‌خوانند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، ص۲۲۴). ساکنان خانه‌ای که هیچ‌گاه باعث گمراهی دیگران نشوند (عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳، ص۳۵۰)؛ آنان‌که درختِ آگاهی

۱. اشاره به اصطلاحی در روان‌شناسی به نام Resilience؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. [۴۴]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

وحیانی هستند؛ از خانه‌ای که جایگاه فرشتگان و انبیاست و صاحبان آن، دارای کلیدهای حکمت و ایشان امانت الهی در بین مردم باشند؛ (صفار، ۱۴۰۴، ج۱، ص۵۶) ساکنان خانه برکات، پاکی، عصمت (کوفی، ۱۴۱۰، ص۳۳۸) و نعمتِ الهی (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۲۴۳) و جایگاه اسرارِ الهی و افرادی که فرشتگان به ایشان احترام گذارند و چون عضوِ غیر نبی ایشان را خطاب قرار دهند فرشته دیده نشود؛ (کلینی، ۱۴۲۹، صص۵۴۷-۵۵۲) نیکانی که چون کسی ایشان را به سرپرستی برگزینند سعادتمند شود، همان‌ها که پناهِ مهربان بندگان‌خدا (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص۴۵) و اصل ایثارگری و استوانه مقاومتِ خوبان و افراد مورد اطمینان خداوندِ مهربان به همه ذرات کائنات هستند (صدوق، همان/ ابن أبی الحدید، ج۲، ص۲۸۳ و ج۵، ص ۲۸۳).

تعریف اصطلاح اهل بیت

از آن چه گذشت معنای اهل بیت تا حدّی آشکار شد و می‌توان اصطلاح اهل‌بیت را این‌گونه تعریف کرد: شایستگان آرامش در سرای یادِ پروردگار، خانه مهربانی و فضیلت‌های اخلاقی؛ در واقع اهل‌بیت در کلامِ دین به معنای ظاهری، ساکنانِ خانه‌ای که با ابزار و آلات زمینی ساخته‌شده نیست؛ بلکه در کلام بلاغی قرآن و روایات اسلامی، اشاره به انسان‌هایی در طول تاریخ دارد که با یاد دائمی معبود و اهلُ الذکر بودن، با تلاش و بندگی خود در نظام عدالتِ تکوین و تشریع آفریننده‌ای دادار، دارای کمالات الهی گردیده‌اند؛ در دایره اول این صحن و سرای نورانی که از آفرینش حضرت آدم تا کنون ادامه داشته، انبیاء و جانشینانِ ایشان و افراد شاخصی که توسط این راستگویان تعیین شده قرار داشته‌اند و در مرحله بعدی، یارانِ فداکار ایشان که گرچه هیچ‌گاه از نظرِ جایگاه به ایشان نمی‌رسند، اما افرادی هستند که با تلاش، به ایشان شبیه و موفق شده‌اند اهل رحمت، برکت، بخشش و کرامت شوند. خط اهل‌بیت پس از آغاز پیامبریِ رحمه‌للعالمین، با توجه به اهمیت راهنمایان پس از ایشان و تأکیدات بسیار در گم نشدن مسیر ایشان از مهرِ الهی، تبادر اذهان پژوهشگران در مورد اصطلاح اهل‌بیت بر روی حضرت محمد –صلی‌الله علیه و آله، فاطمه‌زهرا(س) و ائمه دوازده‌گانه رفته، ایشان که مصادیق اصلی و کامل آن پس از ظهورِ شریعتِ اسلام می‌باشند، در واقع برای وارد شدن به این خانه بهشتیِ و باقی ماندن در میان در و دیوارهای پرشکوهِ دانش، مهربانی، نور، آرامش، یادِ خدا، ایثار، تلاش، امید و... باید به ایشان احترام گذاشت و اجازه‌ای قلبی گرفت تا بتوان در زمره ایشان بود و ماند (ر.ک. صدوق، ۱۳۹۵).

مهربانی و تفسیر قرآن: حلقه مفقوده در شناخت قرآن

قرآن کتاب خداوندی است که مهربانی‌اش خارج از تصورست؛ لاجرم این لایتناهی از حیث حکمت و مهر و سایر کمالاتست که معنای کلیت قرآن را می‌داند، کتابی که تنها لفظ نیست و در پس آن معنایی اسرارآمیز نهفته است؛ این که بهترین تفسیر و تأویل از قرآن را خداوند بداند شکی نیست ولی در میان آدمیان، بدون شک آن‌که توانسته بیشترین صفات الهی را جاری کند، نبی‌الرحمه است؛ او که توانسته جانشین به صدق خداوندِ مهربان و کامل بر روی زمین باشد و چنین صدیقی می‌تواند از آیات الهی و تفسیر آن با گفتار و رفتار خویش سخن بگوید، او که شایسته شده تا کلام خدا را برای بندگان خود بیاورد و پیامبری از جانب او باشد؛ در یکی از آیات قرآن که به روش‌شناسی[1] تفسیری قرآن، اشاره دارد، بیان شده این کتاب آسمانی و حکیم دو نوع آیه دارد: الف- آیات صریح و روشن، ب- آیات متشابه و تفسیرپذیر؛ افرادی که قلب و روان ناسالم دارند به دنبال فتنه - که در نگاه قرآن بدتر از قتل و مفهومی خشونت‌آمیز خوانده شده (بقره/ ۱۹۱) - می‌گردند، از این آیات پیروی می‌کنند تا فتنه‌انگیزی و خشونت‌ورزی کنند و اشاره می‌شود که تفسیر این آیات را کسی نمی‌داند جز خداوند و افرادی که در متن قرآن کنار نامِ خداوند مهربان قرار می‌گیرند و به او عطف می‌شوند یعنی راسخون که دانشمندانی الهی و در منتهی درجه ایمان به خداوند و کلّیتِ کتاب او هستند و تنها افرادی با قرآن دلشان روشن می‌شود و از آن پند می‌گیرند و استفاده می‌کنند و هدایت می‌شوند که افرادی عاقل باشند (آل عمران/ ۷) این آیه در واقع به یکی از روش‌های شناسایی قرآن توسط خودش می‌پردازد، به عبارتی هر کتابی برای فهمش می‌تواند توصیه‌هایی داشته باشد و اشکالی نیست، کتابی سرشار از راز برای درکِ خود روشی ارائه دهد؛ برای مثال هیچ‌کس به نویسنده هوشمند و حکیمی که اشاره کرده باشد بخش‌هایی از کتابش به صورت کُد نوشته‌شده و کلیدِ کُدها در دستان فرد یا افرادی است، اشکالی نمی‌گیرد، آری اگر این کتاب دارای ارزش‌های والایی باشد و به قدرت یا سیاست نیز ارتباطی داشته باشد، به شیوه‌ای جانِ این صاحب کلید در خطر می‌افتد؛ حال نقد چنین کتابی با نگاهی ظاهری و برخورد با آن مانند سایر نوشته‌ها خنده‌داراست؛ ممکن‌است مخاطب چنین کتابی صبوری پیشه نکند و قصد استفاده از قرآن با توجه به آیات غیرمتشابه را نداشته باشد و روش فهم آن را نپسندد و با نگاهی ظاهری به حکمت چنین روشی در کتابی که باید قرن‌ها از تحریف مصون بماند (حجر/ ۹) پی نبرد، در نگاه اول اشکالی به چنین فردی نیست ولی اگر قصد مطالعه نقّادانه یا پس از ایمان به آن از طریق قسمت‌های عادی آن تلاش دارد به ژرفای آن و استفاده حقیقی از آن برسد، راهی ندارد جز سر نهادن به شیوه‌ای که خود کتاب بدان اشاره می‌کند؛ رجوع به افرادی که راسخون نامیده شده‌اند و عقل، دانش، مهربانی، حکمت، اخلاق و تمام نکات عالی انسانی الهی در ایشان جمع شده باشد.

1. Methodology

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

راسخون در علم، ثقلین و اهل بیت

در مقدمه کتاب البرهان فی تفسیر القرآن به صورت مفصل به روش‌شناسی و پیش‌نیازهای وارد شدن عمیق به قرآن و تفسیر آن اشاره شده و در این سیر برای معرفی راسخون و ثقلین از احادیث تشیّع و تسنّن بهره جسته است، برای اختصار به سطرهایی از آن می‌پردازیم؛ در حدیثی در معنای آیه مورد نظر ائمه اطهار چنین تفسیر می‌کنند: رسول‌الله – صلی‌الله علیه‌وآله - و اهل بیت او بهترین راسخون در علم می‌باشند و خداوند به او تمامی تأویل و تنزیل را آموزش داد و شایسته نیست پروردگار چیزی را به پیامبرش آموزش‌دهد در حالی که جانشینان او چیزی ندانند بلکه تمامی آن را می‌دانند و زمانی که عالمان به تأویل آیه‌ای را تفسیرکنند و این‌گونه از سوی خدا پاسخ دهند کسانی که تأویل قرآن را نمی‌دانند، گویند: به تأویل شما از قرآن ایمان آوردیم و همه‌اش از جانب پروردگاراست؛ آری، قرآن عام و خاص، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ دارد و راسخون در علم از این موارد آگاه هستند؛ جابربن یزید جعفی از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند که پیامبر (ص) در مِنا در خطبه‌ای فرمودند: ای مردم! از میان شما می‌روم درحالی‌که در میان شما ثقلین و دو امانت گران‌بها به‌جا می‌نهم، تا زمانی که بدان‌ها دست یازید هرگز گمراه نگردید: کتاب خدا و اهل‌بیتم که این دو جدا نگردند تا این که در حوضِ بهشت به من ملحق گردند؛ ای مردم! در میان شما سه گوهر محترم به جای نهادم: قرآن، اهل‌بیت و کعبه سپس امام باقر فرمودند: قرآن را منحرف (با تفسیرِ جاهلانه) و کعبه را ویران کرده و اهل‌بیت را کشتند و امانت‌های الهی را پشتِ سرانداختند و از ایشان دوری گزیدند[1]. امام حسین (ع) از پدرشان امیرالمؤمنین (ع) در مورد بازماندگان پیامبر (ص) یعنی قرآن و اهل بیت پرسیدند که ایشان فرمودند که مراد از ایشان من، حسن، حسین (ع) و ۹ امام از نسل امام حسین می‌باشد که نهمی از ایشان مهدی قائم (ع) است و قرآن و ایشان از هم جدا نگردند تا به محضر پیامبر خدا در حوض بهشت مشرّف شوند. مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: خداوند ولایت ما اهل‌بیت را قطب قرآن و قطب تمامی کتب آسمانی قرار داد که بر گرد آن مُحکمات قرآن می‌شود و با آن کتاب‌های آسمانی هدایت‌گری کنند و ایمان آشکارا شود و پیامبر خدا فرمان دادند از قرآن و اهل‌بیت محمد (ص) پیروی شود و این در آخرین خطابه‌ای بود که فرمودند: درحالی‌که ثقلین یعنی دو بازمانده گران‌بها در میان شما به‌جا می‌گذارم از پیشتان می‌روم، ثقلِ اکبر که کتاب پروردگارم و ثقل اصغر که اهل بیتم باشند؛ پس حُرمتِ مرا در این دو نگاه دارید که مادامی که به این دو دست یازید، گمراه نگردید (بحرانی، ۱۴۱۶، ج۱، صص ۳-۷۰).

تحلیل روایات شناخت راسخون و ثقلین

از مختصری که اشاره شد مانند دالانی به وادیِ گسترده‌ای در روش‌شناسی تفسیری قرآن، می‌رسیم، حاصل این‌که نگاه ظاهری به قرآن کریم شناسای حقیقت و ژرفای آن نیست و گرچه هر انسانی با دیدی فطری و مهربان به آن، می‌تواند برداشت‌هایی متناسب با واقعیت کند اما راه حقیقیِ خوشه‌چینی از این مزرعِ الهی همراه‌شدن با راسخان یعنی پیامبر (ص) و اهل‌بیت اوست، آنان که صفات الهی و مهربانی در ایشان متّفق گردیده است؛ به عبارتی برای فهم اصیل قرآن باید در محضرِ پیامبر و اهل بیت نشست؛ در سه قرنِ نخست اسلام حضور این معلّمان در بین مردم در مدّت ۲۵۰ سال راه شناخت قرآن را آسان‌تر کرده بود، اما از ابتدای ظهور اسلام نیز موانعی بین حق پویان و پیامبر و فهم پیامِ قرآن وجود داشته و تلاش برای تداوم یافتن عدم شناخت قرآن تا امروز ادامه دارد؛ در سال‌های ابتدایی ظهور اسلام در مکّه و در کمی تعداد مسلمانان، دشمنی‌های صورت گرفته توسط خشونت‌ورزانِ حق‌پوش(کافر)، هدفی را مجسم می‌کرد و آن نرسیدن پیامِ محبت نبی‌الرحمه به جامعه‌ای بود که فراموش کردنِ خداوندی مهربان از برای ایشان مصالحی را درپی‌داشت (ابن هشام، بی‌تا، ج۱، ص۳۱۷). جالب این‌که چنین افرادی که پس از فتح مکه بدون خونریزی از جنایاتشان درگذشته شد، نزدیک به یک قرن در آن سال‌های تأثیرگذار حکومت و این بار در لباس اسلام موانعی برای نرسیدنِ پیامِ اسلام ایجاد و برای رساندن پیامِ حقیقی دین سد ایجاد می‌کردند و در آشکارترین حرکت، یزید، فرزندزاده پیامبر و تنها یادگار او در آن روزگاران یعنی امام حسین (ع) از مصادیق اتمّ راسخون در علم و حدیث ثقلین را با تفاسیری اسلامی به بدترین شیوه سر برید و نزدیک‌ترین افراد به خانواده پیامبر (ص) را به اسارت کشید و از کوفه تا شام به حرکت در آورد (ابن‌سعد، ۱۹۶۸، ج۶، ص۴۴۱ و ج۳، ص۴۰۹). در چنین شرایط مخوفی که انتقال علمی و عملی پیام قرآن نتایجی خونبار به همراه داشت، یعنی از ابتدای ظهور اسلام تا ابتدای غیبت کبری، احادیث پیامبر و اهل‌بیت به علاقه‌مندان به اسلام انتقال داده می‌شد، اما نباید هیچ‌گاه سایه این شرایط بر انتقال فهم قرآن و تأثیراتی که بر مردم آن زمانه با اعتقادات مختلف و روحیه‌های اخلاقی متفاوت ایشان در برخورد با حکومت‌های دیکتاتور را داشت، مورد غفلت قرارگیرد، شرایطی که انتقال پیام قرآن برای قرآن شناسان راستین یا اهل بیت را دشوارتر کرده بود و اینان که همواره جانِ حق‌پویان و خانواده‌های ایشان در ارتباط با خود را مورد خطر می‌دیدند و برای رهایی از این شرایط بغرنج و حفظ جان‌های محترم راهکار قرآنی تقیه و توریه را از ابتدای اسلام ارائه دادند (عاملی، ۱۴۱۵، ج۳، صص۱۰۲-۱۰۷) گذشته از آن، در شرایط عادی انتقال حدیث در طول این سال‌ها و

۱. حدیث اشاره شده یعنی حدیث ثقلین از احادیث مشهور است و در دانش کلام یعنی به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است، کتاب عبقات الأنوار را می‌توان مستندترین کتاب در زمینه بررسی این حدیث دانست، کتابی که این حدیث و طرق روایت و دلالت آن را بر مبنای اهل سنت و شیعیان بررسی می‌کند (ن.ک. هندی، ۱۴۰۴، جج ۱۸-۲۲).

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

پس از آن برای فراهم آمدن میراثِ گران‌بهای تاریخی و حدیثی پیامبر و اهل‌بیت علاوه بر خون‌های ریخته‌شده، اختلاف فهم مخاطبان و محدود تر بودن عقول و احتمالات عقلی مخاطبان راسخون و همین‌طور اشتباهات احتمالی که در نقل احادیث رخ می‌داد یا افتادگی‌های مختلف از پازل احادیث و وجود افراد کم دقت یا دروغ گو در این بین روش دیگری را برای فهم متون اسلامی ملزم می‌کرد که همواره در فهم این متون باید ملاحظه می‌شد، نکات تفسیری که در تفسیر متون مختلف اسلامی باید مورد لحاظ قرار گیرند تا آن فهم با حقیقتِ گفتار راسخون سازگاری داشته باشد و نکته مهم و نهایی این که با فرض دست‌یابی به متون صحیح در این بین با رعایت روش مخصوص فهم قرآن و سایر متون اسلامی که به یاری علومی مانند اصول فقه، علم رجال، درایه‌الحدیث و ... فهمی ژرف پدید می‌آمد، در مرحله آخر فقاهت و درایت و شمّ عالمان دینی از ابتدای اسلام تا به امروز در فهم و تفسیر و شناساندن قرآن به مسلمین و جهان، نقشِ مستقیم ایفاء کرده است.

اصالت مهربانی

از آن‌جا که جدایی قرآن و اهل‌بیت، قابل تصور نیست و با توجه به نقش محوری ایشان در تفسیرِ قرآن و با توجه به این که راسخون، رحمت واسعه الهی در میان آفریده‌های خداوند هستند و با در نظر گرفتن اصل وحدت معنوی اسماء الهی و شاخصیت اسم‌هایی که به رحمت الهی اشاره دارد و الرحمن‌الرحیم بودن مدلول تمامی اسماء الهی، یعنی ذات الهی می‌توان اصالت مهربانی را چنین بیان کرد: اصلی عقلی، قرآنی و حدیثی، حاکی از عدم جدایی مهربانی و مهربان‌ترین‌ها در تفسیر قرآن؛ به این معنا که همواره برای فهم قرآن و متونی که فطرت انسانی مخاطب اصلی آن می‌باشند باید بیش از همه مهربانی گسترده الهی مورد نظر قرار گیرد؛ همین‌طور برترین‌های ممدوح در قرآن را باید مهربان‌ترین افراد به خویش و مخلوقات خداوند دانست و با توجه به این مناط ارزشمند، به عیارسنجی فهم خود بپردازیم؛ لازم به ذکر است معنای این اصل نفی آیات عذاب ظالمان و از این صنف نمی باشد چرا که گاه ترحم بر پلنگ تیزدندان، ستمکاری بر گوسپندان تلقی می‌شود[1]؛ رعایت این اصل عملاً نقطه اتصال قرآن و سایر متون اسلامی و کلمات پیامبر و اهل بیت مهربانی را از منطقه‌ای قلبی، عقلی و فطری میسر می‌سازد و در مواردی که فهم قرآن به دلیل عدم حضور معصوم یا نبود روایتی قابل توجه، سخت می‌شود می‌توان با برجسته دیدن مهربانی و مهربانان در قرآن به فهمی متفاوت دست یافت، همین‌طور با توجه به امکان استخراجِ اسماءالهی از همه جملات قرآن و بازگرداندن آن به اسماءالهی در قامتِ افرادی که در غایت قرب الهی تبدیل به کلمه شده‌اند نیز وجود دارد؛ همچنین اصالت مهربانی زمانی کامل فهمیده می‌شود که اسماء الهی با موشکافی بررسی شوند و هم معنا بودن همگی اسماء الهی مورد لحاظ قرار گیرند هر چند تقدم صفت مهربانی بر سایر صفات، بر اصالت و مبنا بودن آن، تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهشگران عصب‌شناس، روان‌پزشک و روان‌شناس در تحقیقات خود به نقش مثبت مهربانی و شفقت دست یافته‌اند و شاید اولین و ابتدایی‌ترین سؤالی که پس از این تحقیقات از فرهنگ‌های اخلاقی و ادیان مختلف من‌جمله اسلام پدید می آید، جایگاه مسئله رحمت در اسلام است و از این نوع سؤالات.

مهربانی در اندیشه دینی - اسلامی، توصیه‌ای فرعی و اخلاقی نیست بلکه جایگاه آن **اساسی** است.

از نظر عقلی خداوند مبدأ کمالات و مهربانی است و بی‌نیازیِ این کمال مطلق عقلاً ایجاب می‌کند که دلیلی جز مهربانی برای خلقت وجود نداشته باشد، مسئله‌ای عقلی که قرآن نیز آن را تأیید و تأکید می‌کند. قرآن، با بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود و الهی پرستیدنی و ستودنی می‌باشد که به جمیع آفریده‌هایش مهربان است.

سایر نام‌های الهی نیز همگی به همان ذات مهربان از دیدگاهی دیگر اشاره می‌کنند؛ در واقع قرآن که شامل الفاظ متعددی‌است به گردِ هسته نام‌های مهربان الهی می‌شود که همه به‌گونه‌ای به مهربانی‌الهی بازمی‌شود؛ همین‌طور قرآن متنی است که به مفسر صادق نیاز دارد؛ بدون شک آگاه‌ترین مفسر آن خداوندی است که رحمت لایتناهی دارد و سپس پیامبری که ستوده به مهربانی و رحمه‌للعالمین است؛ در نتیجه افرادی که مهربان‌تر می‌باشند و در قلّه‌های مکارم اخلاق قرار دارند شایستگی تفسیر و شناساندن قرآن را دارند؛ افرادی مانند ثقلین و راسخون که حقیقت مهربانی را در خود یافته و پرورش داده و به نوعی با وجودِ خود تبدیل به آیه و اسمی الهی شده‌اند که رحمت الهی را در دل می‌نشانند؛ همچنین هنگامی که به مفهوم مهربانی می‌نگریم به اصالت‌مهربانی نه تنها در گام‌های اولی تفسیری، بلکه در سایر شاخه‌هایی که ریشه در تفسیر قرآن دارند پی می‌بریم؛ لازم به ذکر است برای اینکه مهربانی بیشتر شناخته شود نیاز به تلاش های علمی و عملی و پژوهشی بیشتری است تا مهربانی اصیل در نگرش اسلام بازشناسی شود و از زاویای مختلف، کامل، کاربردی و در ظرف‌های مختلف آن بیشتر دیده شود و رحمت را در غالب بین فردی مسلمانان و مؤمنان و غیرمسلمانان و حتی به حیوانات و غیرجانداران نیز بررسی شود و ادعیه و عبادت‌هایی که مؤمن را به خدای مهربان‌ترین متصل می‌کند یا زیارت‌هایی که زائر در دریای رأفتِ حرمِ صالحان غرقه می‌شود و ... به عنوان مراقبه‌هایی مشاهده شود تا بتوان با

۱. اشاره به این بیت از گلستان سعدی که در زبان پارسی ضرب‌المثل شده است: ترحم بر پلنگ تیزدندان/ ستمکاری بود بر گوسپندان

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

روش‌های معتبر و به روز علمی، مهربانی و معنویت اصیلِ اسلامی را به منسوبان علم، حوزه سلامت، معنویت و ادیان ارائه کرد؛ در هر صورت این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند انگیزه پژوهشگران تجربی، مخصوصاً عصب شناسان در بررسی تجربی مهربانی در اسلام را تقویت کند، این همه یعنی «اصالت مهربانی» گفتگوی صلح‌آمیز بین اسلام، دین، علوم تجربی، مطالعاتِ میان‌رشته‌ای، روان‌شناسی و روان‌پزشکی و ... را از جانبی دیگر و اساسی، بازگشایی می‌کند و تأثیرات آن بر سلامت به‌ویژه سلامت معنوی و روانی را آشکارتر خواهد کرد.

Original

Proving the Genuineness of Kindness in Islam

Alireza Zakeri[1*], Mohammad Reza Rezvan Talab[2], Mohammad Javad Mohammadi[3]

Abstract

Background: "Kindness" is a human truth that not only plays a role between physician and patient, but also the researches of experimental scientists indicate that mercy and compassion can be effective in prevention and control of certain illnesses; on other hand Islam as a divine religion is the source of human virtues including kindness and in this regard it can support the cultural and health goals.

Methods: This descriptive-analytical research has also utilized library method (classical and modern) and reputable scientific sources in the Internet.

Results: The Islam divine BOOK, Quran, introduces Allah with two names with the origins of Rahmat, and almost all of its surahs introduce the CREATURE with these two names and there are lots of words which are collateral and synonymous of the word kindness and other Allah names refer to a single and merciful Lord; Although the meaning is not directly kindness and plenty of fundamental contents can be found for being fundamental meaning in the Quran and other Islamic sources.

Conclusion: 1.The placement of kindness is noble in Quran. 2. Islam can not recognize without priority of the kindness virtue in exegesis and lives. 3. Concentrating on kindness in Islam can promote in health especially in the area of spiritual and mental health. 4. It is necessary to make more research in Islamic and experimental sciences area to find the importance of kindness in health with a native approach.

Keywords: Health, Interdisciplinary Research, Islam

منابع

1. Makarem Shirazi N. Translation of the Quran (Makarem). Qom: Office of History and Islamic Studies; 1994.
2. Ebrahimi I. The place of divine mercy in the interpretations of the two parties. Journal of Comparitave Tafsir Studies 2016; 2(3): 85-104. [In Persian]
3. Amini A. Al-Ghadir in Al-Kitab wa Al-Sunnah wa Al-Adab. Qom: Al-Ghadir Center for Islamic Studies; 1995.
4. Ibn Abi al-Hadid A. Sharh Nahj al-Balaghah. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
5. Ibn Sa'd M. Al-Tabqat al-Kubra. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya; 1968.
6. ibn Qalwiya Qomi. Kamel Al-Ziyarah. Najaf: Darl sl Mortazaviah; 1937.
7. Ibn Hisham A. The Biography of the Prophet by Ibn Hisham. Beirut: Dar al Marefat.
8. Bahrani S. Tafsir al-Burhan. Tehran: Besat; 1996.
9. Haskani O. Evidence of Al-Tanzil. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization; 1991.
10. Hakimi M. The translation of Al-Hayat. Traslated by Aram Ahmad. Tehran: Islamic Culture Publishing Office; 2001.
11. Hali J. Al -Mu'tabar. Qom: Seyed al Shohada Publication; 1987.
12. Havizi A. Tafsir Noor al –Thaqalin. Qom: Ismaili; 1995.
13. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University Publication; 1994.
14. Ragheb Isfahani H. vocabulary in Gharib Al-Quran. Beirut: Dar al Alam; 1992.
15. Morteza Zubaidi M. Taj al-Arus Min Jawahir al-Qamus. Beirut: Dar Al Fikr; 1994.
16. Seligman M. Learned optimism. Translated by Elham Sadat Afraz. Tehran: Green Spring; 2016. [In Persian]
17. Sharif al-Radi M. Prophetic Punishments. Qom: Dar al Hadith; 2001.
18. Sayyid Razi. Nahj al -Balaghah of Imam Ali (AS). Qom: Hijra Foundation; 1994.
19. Shushtari S. The truth of truth and the falsehood of falsehood. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1973.
20. Shahidi SJ. Analytical History of Islam. Tehran: Publisher: University Publishing Center; 1983. [In Persian]
21. Sahib Ibn Ibad I. The environment in the language. Beirut: World of books; 1994.

1. *Corresponding Author: The PhD student of Theology, University of Tehran
2. University of Tehran, Associate Professor, Faculty of Theology
3. University of Tehran, Assistant Professor, Faculty of World Studies

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

22. Ibn Babawiyyah M. Al- Tawhid. Qom: Congregation of Teachers in the Scientific Field Baqam, Islamic Publishing Foundation; 2019.
23. Ibn Babawiyyah M. The text and translation of Ayoun Akhbar al-Reza. Translated by Ali Akbar Ghafari. Tehran: Sadoogh Publication; 1994.
24. Ibn Babawiyyah M. Kamal al-Din and all the blessings. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 2016.
25. Saffar M. Seeers of degrees in the virtues of the family of Muhammad. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
26. Tabatabai S. Translation of Tafsir Al-Mizan. Qom: Qom Seminary Teachers Association, Islamic Publications Office; 1997.
27. Ameli J. The correct from the biography of the Great Prophet. Beirut: Dar al Hoda; 1995.
28. Hamiri A. Gharb al-Asnad. Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the revival of heritage; 1993.
29. Askari H. al-Foroogh Loghavieh. Qom: Islamic Publication; 2000
30. Ayashi M. Al-Tafsir. Tehran: Islamic Scientific Library; 2001.
31. Farahidi K. Al- Ain. Qom: Hijra Foundation; 1989.
32. Razi F. Mafatih al-Ghayb. Beirut: Dar Ehya Torath al-Arabi; 2000.
33. Faiz Kashani M. Tafsir al-Safi. Tehran: Maktab al-Sadr; 1995.
34. Klini M. Al-Kafi. Qom: Dar al-Hadith; 2008.
35. Kufi E. Tafsir Euphrates Al-Kufi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Foundation; 1990.
36. Majlisi M. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar Ehya Torath al-Arabi; 1983.
37. Mohaghegh Damad SM. Ketab al-Salat. Qom: Congregation of Teachers in the Scientific Field Baqam, Islamic Publishing Foundation; 1996.
38. Mohammadi Rishahri M. Mizan al-Hikma. Dar al-Hadith; 2007.
39. Marandi A, Rostami M, Larijani B, Farhadzadeh A. Strategies for Promoting Islamic Spiritual Health. Journal of Culture and Health Promotion 2019; 3(2): 186-193. [In Persian]
40. Nasr bin Mazahim. The Safin incident. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
41. Hindi M. The worship of lights in the Imam of the Imams; Hadith of Al-Ghadir. Qom: Grand Ayatollah Boroujerdi Publication; 1984.
42. Ahmad B. Muhammad and the Jews: A Re-Examination. New Delhi: Vikas Publishing House; 1979.
43. Arafat WN. "New Light on the Story of the BanūQurayẓa". Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland2 1976; 100-107.
44. Bajaj JS, Ellwood M, Ainger T, Burroughs T, Fagan A, Gavis EA, Heuman DM, Fuchs M, John B, Wade JB. Mindfulness-Based Stress Reduction Therapy Improves Patient and Caregiver-Reported Outcomes in Cirrhosis. Clin Transl Gastroenterol 2017; 27;8(7): e108.
45. Hofmann SG, Grossman P, Hinton DE. Loving-kindness and compassion meditation: potential for psychological interventions. Clin Psychol Rev 2011; 31(7): 1126-32.
46. Jansen H. De Historische Mohammed: De verhalenuit Medina [The historical Muhammad: The stories of Madina]. Amesterdam: Antwerp; 2007.
47. Khoury B. Compassion: Embodied and Embedded, Mindfulness 2019; 10: 2363–2374.
48. Peterson Ch, Seligman M. Character Strengths and Virtues: A Handbook and Classification, Oxford: Oxford University Press; 2004.
49. Van Cappellen P, Toth-Gauthier M, Saroglou V. et al. Religion and Well-Being: The Mediating Role of Positive Emotions. J Happiness Stud 2016; 17: 485–505.
50. Wade James B, Hayes Rashelle B, WadeJames H, BekensteinJonathan W., WilliamsKristin D, Bajaj Jasmohan S. Associations between Religiosity, Spirituality, and Happiness among Adults Living with Neurological Illness. Geriatrics 2018; 3(3): 35.
51. Weng Helen Y, Fox Andrew S,ShackmanAlexander J, Stodola Diane E, CaldwellJessica ZK, Olson Matthew C, Et al. Compassion Training Alters Altruism and Neural Responses to Suffering. Psychological Science 2013; 24(7): 1171-1180.
52. Werner E. The children of Kauai : a longitudinal study from the prenatal period to age ten, Honolulu. University of Hawaii Press; 1971

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]